

ای کاش همه خواب باشیم؛

بهرام بیضایی و جاودانگی از لحظه تولد

■ گروه فرهنگ و هنر - وقتی همه خواب بودیم، بهرام بیضایی بیدار بود تارویای ما را بنویسد، بیدار بود تا نائی، تارا و گلرخ کمائی را خلق کند، ما هنوز خوابیم اما او به لحظه تولدش بازگشته، همان جایی که انگار از شروع نام او را با جاودانگی گرده زده بودند.



پیش از آنکه ترک خاک کند. با همین دل‌بستگی به عمق واژه غریبه، «چریکه تارا» و «غریبه و مه» را ساخت؛ آثاری که بیش از آن‌که روایت‌محور به معنای متعارف باشند، بر فضا، اسطوره و تنهایی انسان استوار بودند.

پس از آنها تلاقی غریبی با دنیای کودکان پیدا کرد. بیضایی جایی گفته بود که همراه سوسن تسلیمی وقتی از جهانی که در آن می‌زیستند طرد شدند، به هر آنچه شد دست زدند تا دوباره کار کنند و سینما را زنده نگه دارند. این بود که «باشو غریبه کوچک» متولد شده بود.

روایتی از غریبگی که دل بحران و ساز ناکویی که رفته رفته کوک می‌شد. مرثیه‌ای انسانی که از نائی زن و مادری ماندگار در تاریخ سینمای ایران ساخت و بیضایی را به عنوان فیلمساز به جامعه معرفی کرد که می‌تواند در دل جنگ متفاوت بنویسد و شاعرانه خلق کند.

حالا زنانگی خاصه در آثار بیضایی، در جهان سینما رنگی دیگر گرفته بود. «اسگ کشی» تلاقی همه مفاهیمی بود که در مناسبات سینمایی بیضایی به درستی قاب بسته شد. فیلمی که قهرمانی جسور و زنانه داشت، تلخ بود و فساد، خیانت و مناسبات قدرت در جامعه شهری را با بی‌رحمی تامل‌برانگیز و قابل درک آثار بیضایی به یاد مخاطبش می‌آورد.

آخرین فیلم او، «وقتی همه خوابیم»، تصویری خودبازتابانه از سینما، حذف و فروپاشی اخلاق حرفه‌ای بود؛ فیلمی که بسیاری آن را بیانیه‌ای شخصی درباره تجربه زیسته بیضایی در سال‌های پایانی فعالیتش در ایران دانسته‌اند. اثری که بیش از هر زمان، مفاهیم خواب و غیبت را به مرکز جهان آورد.

در نهایت، بیضایی ایران را ترک کرد و در خارج از کشور به تدریس و نوشتن ادامه داد. رفتن او، نه یک تصمیم ناگهانی، بلکه نتیجه سال‌ها محدودیت و ناتمام ماندن پروژه‌ها بود. با این همه، آثارش همچنان بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ سینمای ایران باقی مانده‌اند؛ فیلم‌هایی که نشان می‌دهند او مسیر خود را یافت، حتی اگر بهای آن، ایستادن در حاشیه و دور ماندن از امکان تولید مداوم بود.

بازتاب جهانی در گذشت بهرام بیضایی

«هالیوود ریپورتر» و «فیگارو» به درگذشت بهرام بیضایی، نویسنده و کارگردان برجسته ایرانی و یکی از چهره‌های شاخص موج نو سینمای ایران واکنش نشان دادند؛ هنرمندی که به گفته اصغر فرهادی «استاد بزرگ» او بود و در روز تولد ۸۷ سالگی‌اش، دور از وطن، چشم از جهان فرو بست.

بهرام بیضایی، نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس، اسطوره‌شناس و کارگردان برجسته سینما و تئاتر ایران بر اثر عوارض ناشی از بیماری سرطان در آمریکا درگذشت. او در روز تولد ۸۷ سالگی‌اش در پنجم دی‌ماه چشم از جهان فرو بست.

نشریه آمریکایی «هالیوود ریپورتر» در گزارشی درباره

درگذشت این چهره سرشناس فرهنگ و هنر ایران نوشته است: فیلم «باشو، غریبه کوچک» ساخته سال ۱۹۸۵ بیضایی، در سال ۲۰۲۵ در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد و جایزه بیش «کلاسیک‌های ونیز» را برای بهترین فیلم مرمت‌شده دریافت کرد؛ موفقیتی که بار دیگر جایگاه این اثر را در تاریخ سینمای ایران و جهان تثبیت کرد.

اصغر فرهادی، فیلمساز شناخته‌شده ایرانی، در پیامی احساسی، از بیضایی به عنوان «استاد بزرگ» خود یاد کرد. فرهادی نوشت: «بهرام بیضایی، استاد بزرگ من که شیفته‌وار آثارش، سخنانش و بالاتر از آن عشقش به فرهنگ این سرزمین را با تمام وجود دنبال کرده‌ام، حالا در غربت این دنیا را ترک کرده است. حقیقتا ایرانی‌تر از بهرام بیضایی در این روزگار شناخته‌ام و چه تلخ است که ایرانی‌ترین ایرانی، هزاران هزار فرسنگ دور از ایران، چشم بر جهان فرو ببندد.»

بهرام بیضایی ۲۶ دسامبر ۱۹۳۸ در تهران به دنیا آمد و در خانواده‌ای اهل شعر و پژوهش‌های ادبی رشد یافت. او در طول فعالیت هنری خود، کارگردانی ۱۰ فیلم بلند سینمایی، چهار فیلم کوتاه و ۱۴ نمایش صحنه‌ای را بر عهده داشت و بیش از ۷۰ کتاب، تک‌نگاری، نمایشنامه و فیلمنامه نوشت.



بیضایی از چهره‌های شاخص و رهبران موج نو سینمای ایران به ششمار می‌رفت. از جمله آثار تحسین‌شده او که در جشنواره‌های بین‌المللی به نمایش درآمد، علاوه بر «باشو، غریبه کوچک»، می‌توان به «رگبار» (۱۹۷۲) و «اسگ کشی» (۲۰۰۱) اشاره کرد.

بیان‌گذار «کانون سینماگران پیشرو ایران»، «کانون نویسندگان ایران» و «انجمن نمایشنامه‌نویسان و آهنگسازان نمایشی» یاد شده که ریاست گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران را بر عهده داشته است. سپس به استغفای او از دانشگاه تهران و سانسور آثارش



اشاره شده است.

در پایان این گزارش هم آمده است: «او در سال ۲۰۱۰ ایران را ترک کرد و به عنوان مدرس مطالعات ایرانی به دانشگاه استنفورد پیوست؛ جایی که چندین نمایش صحنه‌ای اجرا کرد و کارگاه‌هایی درباره اسطوره‌شناسی ایرانی برگزار کرد.

بهرام بیضایی عضو آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار بود و در سال ۲۰۲۴ برای عضویت در هیأت رای‌دهندگان جوایز اسکار نیز دعوت شده بود.

روزنامه فرانسوی «فیگارو» هم درباره بهرام بیضایی نوشته است: «این فیلمساز پرکار در طول یک دوران حرفه‌ای طولانی، کارگردانی ۱۰ فیلم بلند سینمایی را بر عهده داشت. ده‌ها نمایش صحنه‌ای را کارگردانی کرد و آثار مکتوب متعددی منتشر ساخت که شماری از آن‌ها به تئاتر ایران اختصاص دارد. از ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی، او به عنوان یکی از چهره‌های اصلی موج نو سینمای ایران مطرح شد؛ به‌ویژه با فیلم‌هایی چون «رگبار» (۱۹۷۱)، «غریبه و مه» (۱۹۷۴) و «کلاغ» (۱۹۷۶).

بیضایی بعد از فیلم «باشو، غریبه کوچک» را ساخت؛ اثری که زندگی کودکی آسیب‌دیده از جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) را روایت می‌کند. او همچنین فیلمنامه فیلم «روز واقعه» (۱۹۹۵) را نوشت؛ فیلمی که از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار سینمای ایران درباره واقعه شهادت امام حسین، چهره محوری آیین تشیع، یاد می‌شود.

همچنین در پی درگذشت بهرام بیضایی، گروه ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد پیامی در صفحه مجازی خود منتشر کرد که بخشی از آن به این شرح است: «درگذشت فخر ادب و هنر ایران، استاد و همکار برجسته ما در ۱۵ سال اخیر، بهرام بیضایی را به اطلاع همگان می‌رساند. او در ست در روز تولد هشتاد و هفت سالگی‌اش درگذشت؛ پنجم دی، که به احترام زادروزش و (درگذشت اکبر رادی) روز نمایشنامه‌نویس نامیده شده، پنج سال پس از تلاش حماسی و درخشانش برای تکمیل متن «داش اکل به گفته مرجان». دانشگاه ما به‌زودی جلسه‌ای در بزرگداشت زندگی و آثار این هنرمند بی‌بدیل ایران‌دوست و ایران‌شناس برگزار خواهد کرد.

گروه ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد به‌ویژه سپاسگزار مژده شمسایی است که بی‌همدلی و همراهی‌اش زندگی بیضایی در این سال‌ها را لونی دیگر می‌بود.

به قول شاهنامه که بیضایی عمری در آن زیست، اگر مرگ داد است، بیداد چیست.»

برگزاری نمایشگاه مشترک نقاشی هنرمندان ایران و روسیه در جزیره کیش

بهنام خرم‌دل



۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش
روزنامه